

تفسیر سوره حجرات

استاد قرائتی

جلسه اول آیه ۱

تفسیر نور (سوره حجرات)

نویسنده: حجّه الاسلام و المسلمین حاج شیخ محسن قرائتی

این سوره در مدینه نازل شده و دارای هجده آیه و به نام سوره «حجرات» یا سوره «آداب و اخلاق» نامیده شده است.

«حُجرات» جمع «حُجره» است و چون در این سوره نام حجره های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (که بسیار ساده و از گل و سقف آن از چوب و شاخه های خرما بود) برده شده ، این سوره حجرات نامیده شده است.

آغاز سه سوره قرآن ، (مائده ، حجرات و ممتحنه) که درباره مسائل حکومتی و اجتماعی است ، با جمله (یا ایّها الذین آمنوا) شروع شده است .

مقدمه ناشر

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (۱)

و قرآن را برای تذکر آسان ساختیم ، آیا کسی هست که پند گیرد و متذکر شود؟

قرآن کتاب خداست و فلسفه وجودی آن ایجاد آگاهی ، حرکت ، نجات مردم ، استقرار عدالت ، آزادی معنوی ، رهبری اجتماعی و تکامل بشر است.

هر چند که تلاوت صحیح قرآن با لحنی خوش بسیار توصیه شده است ، اما تدبیر در معانی و مفاهیم قرآن است که می تواند بشر را به سر منزل مقصود راهنمایی کند.

آری ، قرآن به عنوان فرهنگ سازترین کتاب در دسترس همگان قرار دارد و با تکیه بر تعلیم و سفارشات پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام می توان کاربردی ترین دستورات زندگی اجتماعی را از آن استخراج نمود.

«استاد تفسیر قرآن کریم» به فضل الهی و با همکاری «مرکز فرهنگی درسهای قرآن» و با تلاش و مساعدت سایر سازمان ها و نهادهای فرهنگی و قرآنی ، مسابقه ای را ویژه ماه مبارک رمضان تدارک دیده است از آنجا که امسال ، سال رفتار علوی نام گرفته و سوره مبارکه حجرات از جمله سوره های قرآنی است که به نکات اخلاقی زیادی پرداخته است ، مناسب دیدیم تا برای مسابقه مذکور تفسیر این سوره انتخاب شود.

از شما خواننده گرامی درخواست داریم تا ضمن مطالعه دقیق این کتاب ارزشمند که از آثار جدید حضرت حجه الاسلام و المسلمین قرائتی (زیدعزه) است و ضمن شرکت در مسابقه مربوطه که از طریق سازمان ها یا نهادها برگزار می گردد، ما را از پیشنهادات و راهنمایی های خود بهره مند سازید.

نشانی: تهران، میدان فلسطین، ستاد اقامه نماز، ستاد تفسیر قرآن کریم، تلفکس: ۸۸۹۳۹۲۸

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و اهل بيته الطاهرين»

توجه نسل نو به قرآن از یک سو و نیاز به آشنایی با تفسیر آن از سوی دیگر، قشر عظیمی را به سوی تفسیر سوق داده است و از آنجا که تهیه تفسیر تمام قرآن، نیاز به هزینه زیاد و مطالعه آن نیاز به حوصله زیادی دارد، بعضی از بزرگان ما بخش هایی از قرآن را جداگانه تفسیر کرده اند.

ما نیز علاوه بر «تفسیر نور» که انشاءالله در دوازده جلد عرضه خواهد شد، لازم دیدیم بعضی از سوره ها را جداگانه در دسترس علاقمندان قرار دهیم تا آنان که از مطالعه تفسیر همه قرآن محروم هستند، لااقل زمینه مطالعه بخشی از آن را داشته باشند.

در این راستا تفسیر سوره یوسف به نام «یوسف قرآن» در قطع جیبی جداگانه به چاپ رسید،

سوره حجرات دومین جزوه تفسیری است که در اختیار عموم قرار می گیرد.

از خداوند که این توفیق را به ما عطا فرمود، سپاسگزاریم و از دوستان همکارم (حجج اسلام آقایان: کلباسی، دهشیری و جعفری) که ساعات زیادی را صرف کمک به تهیه این تفسیر نموده اند، سپاسگزارم.

آری، همان گونه که هر کجای کره زمین روشن است از خورشید است و آن قسمتی که تاریک است از خود زمین می باشد، در کتاب ما نیز هر کجا روشنی یافتید، آن نور قرآن و هدایت انبیا، اوصیا، شهدا و علماست و هر کجا تاریکی، نقص و کاستی یافتید، آن را به حساب خود من بگذارید.

از خداوند می خواهم که قرآن را نور فکر، بیان و عمل ما، و نور قلب، قبر و قیامت ما، و نور سیاست، اقتصاد و اجتماع ما، و نور نسل، ناموس و تاریخ ما قرار دهد.

سیمای سوره حجرات

این سوره در مدینه نازل شده و دارای هجده آیه و به نام سوره «حجرات» یا سوره «آداب و اخلاق» نامیده شده است.

«حُجرات» جمع «حُجره» است و چون در این سوره نام حجره های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (که بسیار ساده و از گل و سقف آن از چوب و شاخه های خرما بود) برده شده، این سوره حجرات نامیده شده است.

آغاز سه سوره قرآن ، (مائده ، حجرات و ممتحنه) که درباره مسائل حکومتی و اجتماعی است ، با جمله (یا ایها الذین آمنوا) شروع شده است (۲)

در این سوره به خاطر آن که چند بار پی در پی جمله (یا ایها الذین آمنوا) آمده است ، سیمای یک جامعه اسلامی از آن معلوم می شود.

در این سوره مسائلی مطرح شده که در سوره های دیگر نیست از جمله:

۱. پیشی نگرفتن از پیامبر صلی الله علیه و آله و آداب برخورد با آن حضرت و هشدار به کسانی که بی ادبند.
۲. مسخره کردن و نام بد نهادن ، سوءظن ، تجسس و غیبت که در یک جامعه ایمانی حرام است ، در این سوره از آنها نهی شده است.
۳. اخوت و برادری ، دستور اصلاح ، بسیج عمومی بر ضد یاغی ، میانجی گری عادلانه ، تحقیق درباره خبرهای رسیده از افراد مشکوک و تعیین ملاک برتری که در یک جامعه ایمانی لازم است ، در این سوره آمده است.
۴. در این سوره ، جامعه ایمانی که در آن درجات مسلمین از مؤمنین مشخص و ملاک ارزشها، تقوی و آن چه محبوب است ، ایمان و آن چه مورد تنفر است ، کفر و فسق و گناه بیان شده و محور جامعه را قسط و عدل می داند.
۵. جامعه ایمانی در این سوره ، وام دار خدا و عاشق پیامبر صلی الله علیه و آله است که واسطه هدایت او شده و هرگز ایمان خود را منتی بر خدا و رسول صلی الله علیه و آله نمی داند.

۶. در جامعه ایمانی این سوره ، مردم باید تابع پیامبر باشند و هرگز توقع تبعیت پیامبر از مردم را نداشته باشند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

نکته ها:

این سوره نیز همانند سایر سوره ها با نام خداوند شروع شده است ، زیرا در حدیث می خوانیم : هر کار مهمی که بدون نام خداوند آغاز گردد، نافر جام است. (۳)

آری ، در آغاز کارها انسان به استمداد از رحمتی بس گسترده نیاز دارد که آن نیاز با جمله مبارکه «بسم الله الرحمن الرحيم» برطرف می گردد.

«بسم الله» در آغاز هر کار، نشان ایمان به خدا، عشق به خدا، یاد خدا، توکل بر خدا، رنگ و جهت خدایی دادن به کارهاست.

آیه (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید! بر حکم خدا و پیامبر او پیشی نگیرید و از خداوند پروا کنید، همانا خداوند شنوا و دانا است.

نکته ها:

این آیه، جلوی بسیاری از خطاها را می گیرد. زیرا گاهی خواسته اکثریت مردم، جلوه های ظاهری و مادی، پیروی از حدس و تخمین، میل به ابتکار و نوآوری، هیجان و قضاوت عجولانه و خیال آزاداندیشی، انسان را وادار به گفتن ها، نوشتن ها و تصمیماتی می کند که ناخودآگاه انسان از خواسته خدا و رسول جلو می افتد، همان گونه که گاهی خیال عبادت، خیال قاطعیت، خیال انقلابی بودن و خیال زهد و ساده زیستی، گروهی را وادار کرد تا از خدا و رسول پیشی بگیرند و به قول معروف کاسه داغ تر از آش باشند.

این آیه می خواهد انسان ها را همچون فرشته تربیت کند، زیرا قرآن درباره فرشتگان می فرماید: در سخن بر خدا سبقت نمی گیرند و تنها طبق دستور او عمل می کنند. (لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ) (۴)

قرآن، موارد تقدّم را بیان نکرد تا شامل انواع پیش افتادن های عقیدتی، علمی، سیاسی، اقتصادی و غیره در گفتار و کردار گردد.

بعضی اصحاب از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کردند که خود را مقطوع النسل و آخته نمایند تا دیگر تمایلی به همسر نداشته باشند و یکسره در خدمت اسلام باشند، حضرت آنان را از این کار زشت باز داشت.

کسی که از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله پیشی می گیرد، در مدیریت نظام خلل وارد کرده و جامعه را به هرج و مرج می کشاند و در حقیقت دستگاه و نظام قانون گذاری را بازیچه تمایلات خود قرار می دهد.

پیام ها:

۱- برای انجام گرفتن دستورات باید ابتدا زمینه های روانی پذیرش را در مخاطب ایجاد کرد. جمله (یا ایها الذین آمنوا) به مخاطب شخصیت می دهد و وابستگی او به خدا را که زمینه انجام کار است، بیان می کند.

۲- از آنجا که فرمان پیش نیفتادن از خدا و رسول، فرمان ادب است، خود این آیه نیز مخاطب را با ادب و ویژه صدا می زند. (یا ایها الذین آمنوا)...

۳- بعضی سلیقه های شخصی، عادات و رسوم اجتماعی و بسیاری از مقررات و قوانین بشری که ریشه در قرآن و حدیث ندارد و برخاسته از عقل و فطرت نیست، نوعی پیش افتادن از خدا و رسول است (لا تقدّموا)...

۴- هرگونه حرام کردن نعمت های حلال خداوند و یا حلال کردن حرام ها، پیشی گرفتن از خدا و رسول است (لا تقدّموا)...

۵- هرگونه بدعت ، مبالغه ، ستایش نابجا و انتقاد نابجا، پیشی گرفتن است (لا تقدّموا)...

۶- سرچشمه فقه و رفتار ما باید قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. (لا تقدّموا بین یدی الله و رسوله)

۷- پیشی گرفتن از خدا و رسول ، بی تقوایی است (چون در این آیه می فرماید: پیشی نگیرید و تقوی داشته باشید) (لا تقدّموا... واتّقوا)

۸- هر آزادی ، توسعه و پیشرفتی ارزش ندارد. (لا تقدّموا)...

۹- برای انجام تکالیف ، دو اهرم ایمان و تقوی لازم است (در آیه هم کلمه «آمنوا» و هم کلمه «اتّقوا» مطرح شده است) (آمنوا... واتّقوا)

۱۰- از چیزهایی که جمله را زیبا می کند آن است که امر و نهی در کنار هم باشد. (در آیه هم نهی آمده «لا تقدّموا» و هم امر آمده است «واتّقوا»)

۱۱- حکم رسول همان حکم خداست ، بی احترامی به او بی احترامی به خداست و پیشی گرفتن از هر دو ممنوع است (لا تقدّموا بین یدی الله و رسوله)

۱۲- التزام عملی باید همراه با تقوای درونی باشد. (لا تقدّموا... واتّقوا الله)

۱۳- کسانی که به خاطر سلیقه ها و مسائل دیگر از خدا و رسولش پیشی می گیرند، نه ایمان دارند و نه تقوا. (یا ایها الذین آمنوا لا تقدّموا... واتّقوا)

۱۴- تندروی یا کندروی های خود را توجیه نکنیم (ان الله سمیع علیم)

نمونه های پیش افتادن

اکنون با هم به چند نمونه تاریخی تقدّم و پیشی گرفتن مردم بر خدا و رسول که در تفاسیر و روایات مطرح شده است توجّه می کنیم:

۱. در عید قربان گروهی قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله قربانی کردند، به آنان گفته شد: (لا تقدّموا بین یدی الله و رسوله) (۵)

۲. گروهی قبل از آنکه ماه رمضان ثابت شود روزه گرفتند. به آنان گفته شد: (لا تقدّموا بین یدی الله و رسوله)

۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گروهی را برای تبلیغ نزد کفار فرستاد، کفار مبلغان پیامبر را کشتند، ولی سه نفر از آنان فرار کردند. این سه نفر در بازگشت در مسیر فرار دو نفر از قبیله کفار (بنی عامر) را دیدند و به انتقام دوستان شهید خود آنها را کشتند (در حالی که آن دو نفر بی تقصیر بودند). قرآن آنان را به خاطر این عمل خودسرانه توبیخ کرد که چرا بدون دستور پیامبر دست به این عمل زدید؟ (لا تقدّموا بین یدی الله و رسوله) (۶)

۴. امام علیه السلام به شخصی فرمود: این دعا را بخوان: «یا مقلب القلوب» شنونده این گونه گفت: «یا مقلب القلوب والابصار» امام فرمود: ما کلمه «ابصار» را نگفته بودیم، قرآن می فرماید: از خدا و پیامبر جلو نیفتید. (لا تقدّموا بین یدی اللّٰه و رسولہ) (۷)
۵. قوم بنی تمیم از پیامبر صلی الله علیه و آله امیر و مسئول خواستند. خلیفه اوّل و دوّم هر کدام شخصی را پیشنهاد کردند و با هم مشاجره می کردند که کاندیدای من بهتر است، آیه نازل شد؛ (لا تقدّموا بین یدی اللّٰه و لا ترفعوا اصواتکم) (۸)
۶. امام علیه السلام در آموزش دعا به شخصی فرمود: این دعا را بخوان: «لا اله الا الله...» تا آنجا که می فرماید: «یحیی و یمیت» شنونده از پیش خود جمله ای اضافه کرد و گفت: «و یمیت و یحیی» حضرت فرمودند: جمله تو صحیح است، اما آنچه من می گویم بگو و سپس آیه (لا تقدّموا بین یدی اللّٰه و رسولہ) را برای او تلاوت فرمودند. (۹)
۷. بعضی از اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خواب و خوراک و آمیزش با همسر را بر خود حرام کردند، حضرت ناراحت شده و به منبر رفتند و فرمودند: من خودم غذا می خورم، می خوابم، با همسرم زندگی می کنم و راه و روش من این است، پس هر کس از این راه پیروی نکند، از من نیست «فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (۱۰)
۸. با این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ازدواج موقت را قانونی اعلام فرمودند، خلیفه دوّم گفت: من آن را حرام کردم این خود پیش افتادن از پیامبر صلی الله علیه و آله است که در این آیه از آن نهی شده است (لا تقدّموا بین یدی اللّٰه و رسولہ)
۹. در سال هشتم هجری که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مردم برای فتح مکه از مدینه حرکت کردند، بعضی از مسلمانان در این سفر روزه خود را افطار نکردند (با این که می دانستند مسافر روزه ندارد و می دیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله افطار کرده است). اینها کسانی هستند که از پیامبر صلی الله علیه و آله پیشی می گیرند. (لا تقدّموا بین یدی اللّٰه و رسولہ)
۱۰. در ادیان قبل از اسلام نیز نمونه هایی از پیشی گرفتن را می بینیم مثلاً با این که حضرت مسیح فرزند مریم و بنده خدا بود، او را تا مرز خدایی پیش بردند که قرآن آنان را از غلو در دین باز داشت.

نمونه های تخلف و بازماندن

- همان گونه که پیش افتادن از خدا و رسول او ممنوع است، عقب ماندن و پس افتادن از فرمان آنان نیز ممنوع است آن گاه که خدا و رسول و جانشینان بر حقّ آنان مردم را برای مسئله ای فرا می خوانند، باید با سرعت و سبقت، آگاهانه و عاشقانه، آن دعوت را لبیک گفت در آیاتی از قرآن از کسانی که به همراه فراخوانی و بسیج از خود سنگینی به خرج می دهند، به شدّت انتقاد شده است (اتّأقلمت الی الارض) (۱۱) در این زمینه نیز به نمونه هایی توجّه می کنیم:
- الف: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه رحلت، لشگری را برای دفاع به منطقه ای بسیج کرد و فرمانده آن را جوانی به نام «أسامه» منصوب نمود و فرمود: خدا لعنت کند هر کس که از لشگر أسامه تخلف کرده و سرباز زند، اما عدهای تخلف کردند.
- ب: در آیات قرآن از کسانی که به خاطر تخلف از فرمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به جبهه نرفتند و براین امر شادمان بودند، انتقاد شدید شده است (فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللّٰه) (۱۲)

ج: در جنگ اُحد با اینکه در حمله اوّل مسلمانان پیروز شدند، ولی به خاطر تخلف از دستور پیامبر صلی الله علیه و آله که ۵۰ نفر را در شکاف کوه های اُحد مسئول مرزبانی قرار داده بود، و آنان به عشق جمع آوری غنائم منطقه را رها کردند، عاقبت جنگ با شکست مسلمین و شهادت حضرت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و جمعی از یاران با وفای حضرت، پایان یافت.

قرآن دلیل شکست اُحد را در سه کلمه بیان کرده است: سستی، اختلاف و تخلف از فرمان (حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ) (۱۳)

د: بارها در نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام افراد سنگدل یا ترسو و کسل را به شدت سرزنش کرده و تعبیراتی از قبیل اینکه شما لاشه های بی روح هستید!، شما در قیافه مرد هستید اما مردانگی ندارید! (۱۴) و امثال آن به کار برده است.

بنابراین آنچه خداوند از ما می خواهد، نه پیش افتادن است نه پس افتادن، بلکه همراه بودن و هم فکر و همکار بودن است (والذین معهم)...

بحثی پیرامون تقوی

در اینجا به مناسبت جمله «وَاتَّقُوا اللَّهَ» به نکاتی در مورد تقوی اشاره می کنیم:

۱ هدف از دستورات الهی آن است که در انسان روحیه تقوی پیدا شود. مثلاً قرآن می فرماید: پروردگار خود را بپرستید شاید تقوی پیدا کنید. (۱۵) و نیز می فرماید: روزه بر شما و بر امت های پیشین واجب شده، شاید تقوی پیدا کنید. (۱۶)

۲ تقوی، زمینه پذیرش هدایت است (هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) (۱۷)

۳ خداوند به کسانی که تقوی دارند، علومی را عنایت می کند. (اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمْكُمْ اللَّهُ) (۱۸)

۴ تقوی، وسیله دریافت رحمت الهی است (اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (۱۹)

۵ تقوی، وسیله قبولی عمل است در قرآن می خوانیم: خداوند فقط اعمال متقین را می پذیرد. (أَمَّا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ) (۲۰)

۶ تقوی، وسیله دریافت رزق از راههایی است که انسان گمان آن را ندارد. (وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ) (۲۱)

۷ خداوند به متقین وعده داده که هرگز در بن بست قرار نگیرند. (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا) (۲۲)

۸ خداوند انواع حمایت ها و امدادهای غیبی خود را نثار افراد با تقوی می کند. (اعلموا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (۲۳)

۹ تقوی راه نجات از خطرات قیامت (۲۴) و خوش عاقبتی و رسیدن به رستگاری است (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (۲۵)

عوامل مؤثر در تقوی

اکنون که به گوشه ای از آثار و برکات تقوی اشاره شد، به عواملی که در پیدایش تقوی مؤثر است نیز اشاره می کنیم:

۱ ایمان به مبداء و معاد، انسان را در برابر گناهان بیمه می کند و هر چه ایمان قوی تر باشد، تقوی بیشتر است.

۲ نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر) سبب رشد تقوی در جامعه است.

۳ تربیت خانوادگی ، ۴ لقمه حلال ، ۵ رفتار مسئولین ، ۶ دوستان (همسر، همکار، همسایه و هم درس)، ۷ اشتغال ، ۸ رفیق شدن با افراد با تقوی ، از عواملی است که در تقوی مؤثر می باشد.

آیا تقوی محدودیت است ؟

بعضی خیال می کنند تقوی محدودیت و زندان است ، ولی تقوی قلعه و دژ است فرق بین زندان و قلعه آن است که زندان را از بیرون قفل می کنند و یک محدودیت تحمیلی است که با آزادی بشر سازگار نیست ، اما قلعه را انسان خود انتخاب می کند و خودش از درون قفل می کند تا از انواع حوادث بیمه باشد.

راستی ، ما که کفش به پا می کنیم ، پای خود را بیمه می کنیم یا محدود؟

پس هر محدودیتی بد نیست و هر آزادی ارزش نیست همان گونه که هر توسعه ای ارزش نیست زیرا میکرب سرطان هم گاهی در بدن توسعه پیدا می کند، و هر عقب گرد و ارتجاعی بد نیست بیمارانی که به پزشک مراجعه می کنند، هدفی جز برگشت به حالت قبل ندارند و این برگشت ارزش است تقوی؛ یعنی ایمن سازی.

زنان و دخترانی که به اسم آزادی ، به هر شکلی خود را در معرض دید دیگران قرار می دهند، اگر چند دقیقه (تنها چند دقیقه) با خود فکر کنند، حتی اگر مسلمان نباشند، عقل و علم ایشان ، آنان را به سوی پاکی و عفت و پوشش دعوت خواهد کرد. زیرا بد حجابی یا بی حجابی عامل:

۱ سوءظن نسبت به آنان ، ۲ توطئه برای ربوده شدن آنان ، ۳ گسستن نظام خانواده ، ۴ تحریک های نابجا و به هم خوردن تعادل روحی ، ۵ گرایش به خودنمایی و تجملات ، ۶ ضربه علمی به دانشجویان و از بین بردن تمرکز فکری آنان نسبت به درس و مطالعه ، ۷ خجل کردن افراد بی بضاعتی که توان تهیه این گونه لباس و تجمل را ندارند ، ۸ ضربه اقتصادی ، زیرا به جای دقت در کار، به هوسبازی سرگرم می شوند، ۹ به ناکامی کشاندن زنان و دخترانی که شکل و روی در خور توجهی ندارند، ۱۰ ایجاد دغدغه برای والدین ، ۱۱ راضی کردن هوس بازان ، ۱۲ پیدایش رقابت های منفی ، ۱۳ فرار از خانه ، ۱۴ پیدایش اطفال نامشروع ، ۱۵ بروز امراض مقاربتی ، ۱۶ پیدا شدن امراض روانی ، ۱۷ پیش آمدن مسائلی از قبیل سقط جنین ، خودکشی یا دیگرکشی یا حمله به دیگران و حوادث رانندگی و... که اینها همه گوشه ای از بی تقوایی درباره یکی از مسائل (حجاب) است.

شاید به همین دلیل باشد که در قرآن ، این همه در مورد تقوی سفارش شده است و امام جمعه باید در همه خطبه ها، مسئله تقوی را مطرح کند و قرآن به مقدار کم تقوی قانع نیست و می فرماید: (فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ) (۲۶) تا آنجا که می توانید تقوی داشته باشید. و در جای دیگر می فرماید: (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ) (۲۷) آن گونه که حق تقوی است ، تقوی داشته باشید.

البته نباید مایوس شویم ، زیرا هرگاه به گناهی گرفتار شدیم ، می توانیم با طناب نماز و توبه و استمداد از خداوند، خود را از منجلاب گناه نجات دهیم.